



## بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی

بهمن پیرمردوند چگینی\*<sup>id</sup>: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مریم کرمی<sup>id</sup>: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

### چکیده

**کلیدواژه‌ها:**  
کیفیت رابطه زناشویی؛ طلاق؛  
گرایش به طلاق

\*نویسنده مسئول

bahmanchegini8@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

**زمینه و هدف:** یکی از بزرگترین مسائلی که این روزها تقریباً تمام جوامع بشری با آن سر و کار دارند و پیامدها و چالش‌های خاصی را به همراه دارد، طلاق است؛ لذا هدف این پژوهش بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر قزوین بود. **روش پژوهش:** روش این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق بود که در تابستان ۱۳۹۹ به مراکز مشاوره شهر قزوین مراجعه کرده بودند. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش تصادفی ساده بود، به طوری که از میان کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره قزوین تعداد ۳۰ زوج (زن و شوهر) انتخاب شدند و با ۳۰ زوج عادی که متقاضی طلاق نبودند مقایسه شدند. لازم به ذکر است که هر دو گروه از نظر ویژگی‌هایی مثل سن، جنسیت و میزان تحصیلات هم‌تاسازی شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه کیفیت رابطه زناشویی ادراک شده فلیچر و همکاران (۲۰۰۰) بود. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی از لحاظ تمامی مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی پیش‌بینی قوی برای اقدام به طلاق و متقاضی بودن آن هستند.

### شیوه استناد به این مقاله:


پیرمردوند چگینی، ب. و کرمی، م. (۱۴۰۰). بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی. فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره و روانشناسی، ۳(۴ پیاپی ۱۰): ۶۸-۷۹


انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 3.0 صورت گرفته است.



**Original Article**

## Evaluation and comparison of marital relationship quality components in divorced couples and normal couples

**B. Pirmardvand chegini\*** : M.A Master of Family Counseling, Kharazmi University, Tehran, Iran

**M. Karami** : M.A Master of Family Counseling, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Abstract

**Background and Aim:** One of the biggest issues that almost all human societies are dealing with these days is divorce and it has special consequences and challenges. The purpose of this study was to investigate and compare the quality components of marital relationship in divorced couples and normal couples in Qazvin. **Methods:** The method of this research was descriptive causal-comparative. The statistical population of the present study included all couples seeking divorce who had referred to counseling centers in Qazvin in the summer of 2020. The sampling method of this study was simple random, so that from all couples referred to Qazvin counseling centers, 30 couples (husband and wife) were selected and compared with 30 normal couples who did not apply for divorce. It should be noted that both groups were matched in terms of characteristics such as age, gender and level of education. The instrument used in this study was the Perceived Marital Relationship Quality Questionnaire (PRQC). The data of this study were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA). **Results:** The results of the present study showed that there is a significant difference between couples seeking divorce and normal couples in terms of all components of marital relationship quality ( $P < 0.05$ ). **Conclusion:** Based on the findings of this study, it can be concluded that the components of the quality of the marital relationship are a strong predictor of divorce and its application.

### Keywords:

Quality of Marital Relationship;  
Divorce; Tendency to Divorce

\* **Corresponding author**  
bahmanchegini8@gmail.com

**Received:** 13.09.2021  
**Acceptance:** 29.11.2021

### Cite this article as:

Pirmardvand chegini, B., & Karami, M. (2022). Evaluation and comparison of marital relationship quality components in divorced couples and normal couples. *JARCP*, 3(4): 68-79.

This work is published under CC BY-NC-SA 3.0 licence.

## مقدمه

می‌یابد (گاتمن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۳). طلاق واقعیتی است در زندگی که پیامد حل نشدن تعارض‌های زناشویی<sup>۸</sup> یا حل نشدن قانونی و رسمی این مشکلات است (پیرمردوند چگینی، احمدی، البوغبیش و نظامیوند چگینی، ۱۳۹۹).

قبل از اقدام به طلاق در فرد میل یا گرایش به طلاق رخ می‌دهد. میل به طلاق عبارت است از میزان علاقه‌مندی و تمایل زوجین به جدا شدن و قطع رابطه زناشویی. این امر ریشه در تغییرات و تحولات گوناگون زیستی-فرهنگی و اجتماعی دارد که با پیچیده‌تر و سخت‌تر شدن زندگی امروز سطح آن بالا رفته است. باوجوداینکه طلاق در گذشته نزد مردم یک امر ناپسند و وحشت‌آور تلقی می‌شده، اما امروزه طلاق ابزار رایجی شده که به کمک آن افراد خود را از وضعیت‌های نابسامان موجود رهایی می‌بخشند (دهقانی شده و یوسفی، ۱۳۹۸). به‌طوری‌که نسل امروز نسبت به گذشته از پدیده طلاق وحشت و اضطرابی به خود راه نمی‌دهند و این امر در حال جا افتادن و عادی شدن در جامعه است (اولدهام<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸). گاتمن و لوینسون<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰) به نقل از دیوید<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۵)، معتقدند با تحلیل ارتباط یک زوج می‌توان احتمال به بن‌بست رسیدن ازدواج و رسیدن به طلاق را پیش-بینی کرد. اگر زوجها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن‌ها را داشته باشند، وجود تعارض فراوان آسیب‌زا نیست. رابطه تعارض و رضایت زناشویی از پیشینه پژوهشی چندین ساله‌ای برخوردار است. تعارضات زناشویی، پیش‌درآمد جدایی زوجها محسوب می‌شود در نتیجه شایع‌ترین جلوه تعارضات جدید، یعنی طلاق بروز می‌کند. از سوی دیگر، اخیراً در جامعه علمی گرایشی پیداشده است که به‌جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق زوجین، بر روی ازدواج-های رضایتمند تمرکز کرده است. تمرکز بر زوجین رضایتمند، باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های رضایتمند در جامعه سازنده باشد (خیرالهی، جعفری، قمری و باباخانی، ۱۳۹۸).

طلاق یا متقاضی طلاق بودن یکی از شاخص‌های معتبر ناراضی‌تی در روابط زناشویی و گسستگی عاطفی بین زوجین

رابطه زناشویی<sup>۱</sup> سنگ بنای اولیه ارتباطات خانوادگی است؛ در این رابطه احترام و همکاری متقابل، نیازهای همسران را ارضا می‌کند (بیتزمن و سوربر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) و موجب می‌شود که افراد شادتر، سالم‌تر و بانشاط‌تر زندگی کنند؛ تجربه چنین ازدواجی فرصت‌هایی از قبیل مصاحبت، تعامل باز و حمایت را در اختیار افراد قرار می‌دهد (کیلاوی، فتیحی، دادرس، دانش پور، علمی و همکاران، ۲۰۱۷، نقل از ابوسعیدی‌مقدم، ثناگوی‌محرر و شیرازی، ۱۳۹۹). اما به نظر می‌رسد همیشه این چنین نیست. گاهی ازدواج‌ها به دلیل برخی از عوامل بیرونی و درونی مورد تهدید واقع می‌شود و افراد به‌طور انکارناپذیری به سمت طلاق<sup>۳</sup> پیش می‌روند. طلاق یک دوره تحولی است که مسیر و انتخاب‌های زندگی افراد را تغییر می‌دهد (کونستام، کاروین، لیونز و کلن-دمیرتاس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) و بسیاری را دچار احساس سوگ، تنهایی، افسردگی، اضطراب و شرم و گناه می‌کند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که هر جامعه‌ای همیشه با آن روبه‌رو است واقعیتی به نام طلاق است. پدیده‌ای که در جوامع امروزی با سرعت زیادی در حال افزایش است و آثار و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی، و قانونی بر مردان و زنان مطلقه دارد. در ایران نیز مانند سایر کشورها پدیده طلاق به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است. جدیدترین اطلاعات آماری ایران در مورد طلاق بیانگر افزایش آمار آن است. در سال ۱۳۹۸ آمار طلاق به یک مورد از هر سه ازدواج رسیده و از ۱۰/۳ در سال ۱۳۹۷ به ۱۳/۸ درصد در سال رسیده است. بر اساس آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شود و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (افضلی، پورجمشیدی و مومنی‌راد، ۱۳۹۸).

بیشتر زن و شوهرها<sup>۵</sup> به این امید که همه عمرشان را در کنار هم می‌مانند، ازدواج می‌کنند (مطالعات جمعیت جهانی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی<sup>۷</sup> هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش و سبک زندگی جدید، خاتمه

7. Emotional Crisis
8. Gottman
9. Marital Conflict
10. Oldham
11. Gottman, & Levenson
12. David

1. Marital Relationship
2. Britzman & Sauerheber
3. Divorce
4. Konstam, Karwin, Curran, Lyons & Celen-Demirtas
5. Couples
6. World Population Review

ازدواج، نگرش مثبت به طلاق، دل‌بستگی نایمن، خیانت زناشویی و خانواده نابسامان مبدأ است (مشتاقی، ۲۰۱۸؛ ادوارد و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸؛ فرهمند و توانگر، ۲۰۱۸؛ نلیس و سگرین<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ آسایش، فرح‌بخش، دلاور و سلیمی، ۲۰۱۸؛ افراسیابی و افراسیابی، ۲۰۱۸؛ مطهری‌راد، مهدی؛ بهروزی، و برومند نسب، ۱۳۹۸؛ خجسته مهر، بهمنی، سودانی و عباس-پور، ۱۳۹۹). یافته‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از رضایت زناشویی زوج‌ها بستگی به مهارت آنان در مدیریت تنش‌های زندگی روزمره و مقابله کارآمد با مسائل به وجود آمده در زندگی زناشویی دارد به طوری که یافته‌ها نشان داده است حدوداً ۴۰ درصد از واریانس رضایت زناشویی زوج‌ها توسط هوش آن‌ها تبیین می‌گردد (اصغری، عیسی پور هفت‌خانی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). از مرور پیشینه طلاق چنین به دست می‌آید که کیفیت زناشویی<sup>۵</sup> از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند نقشی اقدام بی‌رمقی زناشویی و به تبع آن گرایش به طلاق داشته باشد (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷).

کیفیت رابطه زناشویی عبارت است از اندازه‌گیری فردی احساس رضایت، خوشبختی و ثبات زناشویی در هر یک از زوجین (پیرمردوند چگینی، زهراکار، ثنایی و نوروزی، ۱۳۹۹). کیفیت رابطه زوجین مفهومی چندبعدی است که شامل ابعاد گوناگون روابط در زوجین مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد است (مرادی اورگانی، ۱۳۹۷). شلمان<sup>۶</sup> کیفیت زناشویی را توافق نسبی زن و شوهر درباره موضوعات مهم، شریک شدن در کارها و فعالیت‌های مشترک و ابراز محبت می‌داند. واژه‌های بسیار زیادی برای توصیف کیفیت رابطه زناشویی مانند سازگاری، رضایت، خشنودی، ادغام و تعهد استفاده شده است، ولی به‌رحال توافق اندکی در مورد معانی بکار برده شده برای این اصطلاح وجود دارد که تا حدودی این توافق اندک ناشی از فقدان مبانی تئوریک کافی برای تعریف کیفیت رابطه زناشویی می‌باشد (میردار هریجانی و همکاران، ۱۳۹۵). به‌طور کلی می‌توان گفت عوامل موثر بر کیفیت رابطه زناشویی عبارت‌اند از: ۱- عوامل فردی که شامل، جنسیت، سلامتی، تربیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، اشتغال، نگرش‌های مربوط به ازدواج و طلاق، روابط قبل از ازدواج، ۲- عوامل ارتباطی مانند مدت ازدواج، تعاملات متقابل، رابطه قبل از ازدواج، حضور کودکان، تقسیم وظایف،

است (دلونگی و زوکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل زیادی در ساخته شدن ذهنیت افراد نسبت به طلاق دخالت دارند و هیچ دیدگاه و ذهنیتی در خلأ ایجاد نمی‌شود، بلکه هرکس به فراخور تجربیات زندگی خودش نسبت به آن احساس و درک خاصی دارد. بر همین اساس فهم مردان و زنان طلاق گرفته یا در معرض طلاق، پیامد شرایط خاصی است که جامعه به افراد تحمیل می‌کند. این شرایط در تعاملات میان زوجین اثر کرده و از این طریق ذهنیت آنان را می‌سازد و به‌طور مستقیم در ایجاد نگرش‌های آن‌ها دخالت دارد؛ این عوامل عبارت‌اند از: اختلالات رفتاری و فکری، نهادها و ارزش‌های جدید، حمایت نهادی، عدم شناخت قبل از ازدواج، ضعف اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی-طبقاتی زوجین، اعتیاد، انواع خشونت، رسانه‌ها، ضعف زوجین در مدیریت روابط، تقویت فردگرایی، حمایت‌های خانواده، اختلافات مذهبی، بیکاری و... (قریشی، شیرمحمدی و برجوند، ۱۳۹۳)؛ اما چگونه است زوجی که روزی با عشق و تمایل فراوان با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، در زندگی مشترک به نقطه‌ای می‌رسند که جدایی از هم را تنها علاج مشکل خود می‌یابند؟ شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی بر اساس موارد غیرمعمول و غیرمنطقی، از آغاز طلاق را در بطن خود دارد، به‌نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش‌بینی است، حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و به انحلال خانواده منتهی نشود، مصداق اصطلاح سوختن و ساختن خواهد بود. از این‌رو شناخت علل و عوامل طلاق می‌تواند در برنامه‌ریزی جهت مشاوره‌های قبل از ازدواج<sup>۲</sup> و پیشگیری از طلاق بکار گرفته شود. متغیرهای مختلفی می‌توانند با میل به طلاق مرتبط باشند و کاهش و افزایش آن‌ها به میل به طلاق منجر شود. عوامل جمعیت شناختی، مانند سن، جنس، تحصیلات، طبقه اجتماعی اقتصادی، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت اشتغال، به طرز گسترده و عمیقی روابط زناشویی را متأثر می‌سازند و تأثیرهای چندجانبه این عوامل به پیچیدگی بیشتر طلاق می‌افزاید. بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده از دیگر عوامل طلاق مهارت‌های ارتباطی ضعیف، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، تعداد ساعات کاری زنان در بیرون از خانه و میل آنان به استقلال اقتصادی، مسائل و مشکلات جنسی، طلاق والدین و پایین بودن سن

4. Nelis & Segrin  
5. Marital Quality  
6. Schelman

1. DeLongis & Zwicker  
2. Pre Marriage Counseling  
3. Edwards & Larsson

از نظر سن، جنسیت و میزان تحصیلات با زوجین متقاضی طلاق که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند، می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها باهمانگی مدیران کلینیک‌های خصوصی و ارائه توضیحاتی در خصوص پژوهش و ابزارهای آن به مدیران این مراکز و هر دو گروه از زوجین، ضمن ایجاد اعتماد و اینکه اطلاعات آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد ماند، اجرای پرسشنامه‌ها صورت گرفت.

### ابزار پژوهش

**کیفیت رابطه زناشویی ادراک‌شده (PRQC) ۳:** این مقیاس توسط فلیچر، سیمپسون و توماس (۲۰۰۰) تدوین شده است، برای نخستین بار در ایران توسط خجسته مهر، فرامرزی و رجبی، (۱۳۹۱) ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل ۱۸ سؤال در شش بعد رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی و عشق است که هر بعد با ۳ سؤال سنجیده می‌شود. آزمودنی پاسخ خود را در مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای (۱= اصلاً و ۷= کاملاً) مشخص می‌کند. حداقل نمره ۱۸ و حداکثر نمره ۱۲۶ است که از جمع نمرات حاصل می‌شود. نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده کیفیت بهتر رابطه زناشویی در ابعاد مختلف است. ضریب آلفای کرونباخ توسط فلیچر و همکاران (۲۰۰۰) مطلوب گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه از طریق همسانی درونی، توسط نیلفروشان (۱۳۹۰) ۰/۸۶ و از طریق باز آزمایی ۰/۸۴ گزارش شده و مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش نیز پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش شد. همچنین برای بررسی روایی این ابزار یک سؤال از هر یک از خرده مقیاس‌ها را ذکر می‌کنیم که می‌تواند بیانگر روایی صوری و روایی سازه باشد: سؤال ۱ پرسشنامه؛ چقدر از رابطه خود رضایت دارید؟ (خرده مقیاس رضایت از رابطه). سؤال ۴ پرسشنامه؛ چقدر به رابطه خود پایبند هستید؟ (خرده مقیاس تعهد). سؤال ۷ پرسشنامه؛ چقدر رابطه شما صمیمی است؟ (خرده مقیاس صمیمیت). سؤال ۱۰ پرسشنامه؛ چقدر به همسران اعتماد دارید؟ (خرده مقیاس اعتماد). سؤال ۱۵ پرسشنامه؛ در رابطه جنسی شما چقدر شور و هیجان وجود دارد؟ (خرده مقیاس شور و هیجان جنسی). سؤال ۱۷ پرسشنامه؛ چقدر به همسر خود علاقه دارید؟ (خرده مقیاس عشق).

رابطه جنسی. ۳- عوامل بیرونی شامل: ویژگی‌های والدین، طلاق والدین، سایر افراد مهم زندگی فرد، رویدادهای استرس‌زا مثل بیماری یا سرطان‌ها (پیرمردوند چگینی، ۱۳۹۷). کیفیت زناشویی همسران بر کارآمدی، استحکام و دوام زیرمنظومه زناشویی تأثیر می‌گذارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۷؛ ترجمه فیروز بخت، ۱۳۹۸). در میان کسانی که ازدواج کرده‌اند، کیفیت زناشویی از مهم‌ترین شاخص‌های زندگی مشترک محسوب می‌شود. کیفیت زناشویی مفهومی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و بیشترین تحقیقات در حیطه روابط زناشویی بر روی آن انجام شده است (کاستر، ۲۰۰۹). تحقیقات نشان داده‌اند که کیفیت زناشویی با سلامت روان و رضایت زناشویی ارتباط دارد و عامل تعیین‌کننده مهم فروپاشی زندگی مشترک می‌باشد (پیرمردوند چگینی و همکاران، ۱۳۹۹).

از مرور پیشینه پژوهش چنین استنباط می‌شود که برخی از مؤلفه‌های کیفیت زناشویی مانند رضایت از رابطه و صمیمیت زناشویی پیش‌بینی کننده اقدام به طلاق هستند و این در حالی است پژوهشی که در قالب مقایسه‌ای بین زوجین متقاضی طلاق و عادی انجام شده باشد و سایر مؤلفه‌ها مثل عشق، تعهد و اعتماد را بررسی و مقایسه کرده باشد انجام نشده است و خلأ این پژوهش انجام‌نشده با توجه به آمار بالای طلاق و پیامدهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی طلاق احساس می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی طراحی و اجرا گردید. به طوری که در این راستا پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی از نظر تمامی مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی تفاوتی وجود دارد؟

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای<sup>۱</sup> (پس رویدادی) است. جامعه آماری<sup>۲</sup> پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق (مراجعین مراکز مشاوره خصوصی) و عادی استان قزوین در تابستان ۱۳۹۹ می‌باشد، و نمونه پژوهش شامل ۳۰ زوج متقاضی طلاق (۳۰ نفر زن و ۳۰ نفر مرد) و به همان تعداد زوجین عادی که از طریق همتاسازی

3. perceived Relationship Quality Components

1. causal-comparative  
2. Population



متقاضی طلاق بودن و یا داشتن پرونده طلاق، داشتن حداقل سطح تحصیلات جهت تکمیل پرسشنامه‌ها، داشتن رضایت قلبی و ابراز شفاهی آن مبنی بر شرکت در پژوهش، ازدواج زوجین دائم بوده و به شکل موقت یا دیگر اشکال امروزی آن نباشد. ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بودند از نداشتن حداقلی سطح سواد، عدم موافقت و رضایت قلبی و ابراز شفاهی جهت شرکت در پژوهش، داشتن اختلال روان‌پزشکی و تحت دارودرمانی بودن، داشتن اختلالات شخصیتی و رشدی، شرکت داشتن در دوره‌های غنی‌سازی و بهبود ازدواج.

#### یافته‌ها

پژوهش حاضر بر روی ۳۰ زوج متقاضی طلاق، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و ۳۰ زوج عادی به‌عنوان نمونه انجام شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی تفاوت وجود دارد که در سطح  $(P < 0/05)$  معنادار است. شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای تحصیلاتی از راهنمایی تا دانشگاهی و از لحاظ سنی بین ۱۸ تا ۴۰ سال می‌باشند، که اطلاعات بیشتر در زمینه ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

**شیوه اجرا.** رأی اجرای این پژوهش پس از نوشتن مقدمات و مباحث پایه‌ای پژوهش (بیان مسئله، سؤال‌های پژوهش، روش، ابزار، جامعه و شیوه نمونه‌گیری) نویسنده مسئول با مراجعه به تعدادی از مراکز مشاوره شهر قزوین که در حوزه طلاق کار می‌کنند هماهنگی‌های لازم را جهت اجرای پژوهش به عمل آورد، سپس به هرکدام از این مراکز تعدادی پرسشنامه کیفیت ادراک‌شده رابطه زناشویی داده شد تا به زوجین مراجعه‌کننده خود بدهند تا آن‌ها را تکمیل کنند، همچنین از آن‌ها خواسته شد تا تعدادی از پرسشنامه‌ها را به زوجینی که متقاضی طلاق نیستند و قصد طلاق ندارند و به دلایل دیگری به این مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند اختصاص بدهند تا آن‌ها را تکمیل کنند، در ادامه؛ توضیحاتی به مسئولین این مراکز جهت همسانی گروه‌ها مانند همسانی برحسب سن، مدت زمان ازدواج، و تحصیلات زوجین داده شد. این فرآیند نمونه‌گیری نزدیک ۲ ماه به طول انجامید. در انتهای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های تکمیل‌شده وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ شدند و با استفاده از این ابزار داده‌ها تحلیل شدند. لازم به ذکر است که این پژوهش ملاک‌هایی جهت ورود و خروج داشت که برخی از مهم‌ترین این ملاک‌ها را برمی‌شماریم: ملاک ورود به پژوهش عبارت بودند از

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیک افراد حاضر در پژوهش بر اساس فراوانی و درصد فراوانی (اعداد در پرانتز بیانگر درصد فراوانی هستند)							
منبع	تحصیلات	سن					
راهنمایی	متوسطه	دانشگاهی	۲۵-۱۸	۳۳-۲۶	۴۲-۳۴	۴۳ به بالا	
زوجین متقاضی طلاق	۱۴ (۲۳/۳)	۲۹ (۴۸/۳)	۸ (۱۳/۳)	۲۰ (۳۳/۳)	۲۳ (۳۸/۳)	۹ (۱۵/۰)	
زوجین عادی	۱۶ (۲۶/۷)	۴۸۹/۳	۱۵ (۲۵/۰)	۱۱ (۱۸۷/۴)	۲۳ (۳۸/۳)	۱۷ (۲۸/۳)	۹ (۱۵/۰)

نتایج موجود در جدول ۲، بیانگر شاخص‌های توصیفی مثل میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان در پرسشنامه کیفیت رابطه زناشویی و ابعاد آن به تفکیک جنسیت مردان و زنان است.

با توجه به جدول فوق چنین می‌توان گفت که بیشترین تعداد زوجین در هر گروه، از نظر تحصیلات و میزان سن در سطح متوسطه، و دامنه سنی ۳۴ تا ۴۲ سال قرار داشتند، و کمترین تعداد از نظر تحصیلات در زوجین متقاضی طلاق و عادی به ترتیب راهنمایی و تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

جدول ۲. توزیع میانگین و انحراف معیار و میانگین کل نمرات زوجین متقاضی طلاق و عادی در مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی

متغیر	جنسیت	زوجین متقاضی طلاق		زوجین عادی		میانگین کل
		$\bar{x}$	انحراف استاندارد	$\bar{x}$	انحراف استاندارد	
رضایت از رابطه	مرد	۱۱	۴/۶۵	۲۰/۳۰	۰/۹۲	۱۹/۰۸
	زن	۱۳/۱۳	۵/۲۸	۱۹/۳۰	۰/۹۴	
تعهد	مرد	۱۶/۷۵	۲/۷۳	۲۱/۰۴	۴/۸۶	۲۰/۰۲
	زن	۱۰/۷۳	۱/۹۵	۱۸/۰۱	۲/۲۵	
صمیمیت	مرد	۱۲	۱/۴۷	۱۹/۲۰	۰/۹۹	۱۸/۸۴
	زن	۱۱/۰۹	۰۲/۰۸	۱۸/۲۲	۰/۹۳	
اعتماد	مرد	۱۶/۳۶	۱/۲۱	۱۵/۲۴	۱/۰۶	۱۹/۱۱
	زن	۱۴/۱۲	۱/۹۷	۱۹/۱۷	۱/۹۹	
شور جنسی	مرد	۱۷	۴/۰۷	۲۰/۳۱	۲/۹۵	۱۸/۹۱
	زن	۱۶/۵۸	۵/۳۰	۱۸/۹۸	۲/۲۷	
عشق	مرد	۱۵	۲/۹۷	۱۵/۷۷	۱/۸۶	۱۸/۸۳
	زن	۱۶/۵۵	۳/۴۰	۲۰/۴۰	۲/۶۹	

زوجین عادی بدین شرح است که: بالاترین میانگین نمرات در میان همه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین عادی تعهد و کمترین این میانگین‌ها متعلق به مؤلفه عشق می‌باشد. همچنین نتایج این میانگین‌ها برای زوجین عادی به تفکیک جنسیت بدین شکل است که برای زنان عادی بالاترین میانگین مؤلفه عشق و کمترین مؤلفه تعهد می‌باشد. در مورد مردان عادی نتایج بدین شکل است که بالاترین میانگین به مؤلفه شور جنسی و پایین‌ترین میانگین به مؤلفه اعتماد تعلق دارد. در جدول ۳، نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) برای مقایسه دو گروه از زوجین متقاضی طلاق و عادی در رابطه با مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی گزارش شده است.

شاخص‌های توصیفی که در جدول ۲ آمده است، نشان دادند که بالاترین میانگین نمرات در میان همه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در زوجین متقاضی طلاق شور و هیجان جنسی می‌باشد و از سویی دیگر کمترین میانگین نمرات در میان این مؤلفه‌ها صمیمیت می‌باشد. همچنین نتایج این میانگین‌ها برای زوجین متقاضی طلاق به تفکیک جنسیت بدین شکل است که برای زنان متقاضی طلاق بالاترین میانگین مؤلفه شور جنسی و کمترین مؤلفه تعهد است. در مورد مردان متقاضی طلاق نتایج بدین شکل است که بالاترین میانگین به مؤلفه شور جنسی و پایین‌ترین میانگین به مؤلفه رضایت از رابطه تعلق دارد. همچنین نتایج این جدول برای

**جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات کیفیت رابطه زناشویی زوجین متقاضی طلاق و عادی**

نام آزمون	مقدار	F	خطا DF	سطح معناداری
اثر بیلابیلی	۰/۲۶۸	۲۱/۴۱۴	۲۹۲	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۷۳۲	۲۱/۴۱۴	۲۹۲	۰/۰۰۱
اثر هنتلینگ	۰/۳۶۷	۲۱/۴۱۴	۲۹۲	۰/۰۰۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۳۶۷	۲۱/۴۱۴	۲۹۲	۰/۰۰۱

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری همه آزمون‌ها بیانگر این است که بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی از نظر همه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد.

**جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در متن مانوا برای مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی زوجین متقاضی طلاق و عادی**

متغیرها	مجموع مجزورات	DF	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رضایت از رابطه	۲۲۰/۲۲	۱	۲۲۰/۲۲	۵/۱۵۰	۰/۰۱۳
تعهد	۱۰۵۰/۱۱۱	۱	۱۰۵۰/۱۱۱	۳۰/۹۲۰	۰/۰۰۱
صمیمیت	۶۴۸/۲۷۰	۱	۶۴۸/۲۷۰	۷/۰۹۰	۰/۰۰۰
اعتماد	۴۳۶۲/۷۸۰	۱	۴۳۶۲/۷۸۰	۳۲/۶۳۰	۰/۰۰۲
شور جنسی	۳۷/۷۷۰	۱	۳۷/۷۷۰	۰/۲۶۵	۰/۶۰۸
عشق	۳۵/۲۷۰	۱	۳۵/۲۷۰	۸/۱۲۵	۰/۰۰۳

همان‌طور در جدول ۴ مشاهده می‌شود بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مؤلفه رضایت از رابطه در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=5/150, \alpha=0/013$ ). بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مؤلفه تعهد در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=30/920, \alpha=0/001$ ). مؤلفه صمیمیت در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=7/090, \alpha=0/000$ ). بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مؤلفه اعتماد در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=32/630, \alpha=0/002$ ). بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مؤلفه شور جنسی در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=0/265, \alpha=0/608$ ). و اینکه بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ مؤلفه عشق در سطح  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=8/125, \alpha=0/003$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین رویکردها و جهان‌بینی‌های آسیب‌شناسانه برای کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی شناسایی عوامل زمینه‌ساز آسیب است، طوری که با شناسایی و آگاهی از نقش این عوامل زمینه‌ساز می‌توانیم برای کاهش این پیامدها برنامه‌ریزی کنیم و راه‌حل ارائه بدهیم. در خصوص رویداد اجتماعی-روان‌شناختی مانند طلاق، شناسایی عوامل زمینه‌ساز نیز می‌تواند راهگشا باشد. تحقیقات علی-مقایسه‌ای که در ادبیات روش تحقیق از آن‌ها تحت عنوان «تحقیقات گذشته‌نگر» و یا «تحقیقات از معلول به علت» یاد می‌شود می‌توانند آگاهی و شناخت ما را در خصوص عوامل زمینه‌ساز رویداد اجتماعی-روان‌شناختی مانند طلاق بالا ببرند. این پژوهش باهدف بررسی و مقایسه مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر قزوین انجام شد. یافته‌های آماری پژوهش حکایت از آن دارند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر تمامی مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی تفاوت معناداری



وجود دارد. لازم به ذکر است که نتیجه این پژوهش همسو با برخی پژوهش‌هاست که در ادامه به این پژوهش‌ها و تبیین این همسویی خواهیم پرداخت:

یافته‌های آماری حکایت از آن دارند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر مؤلفه‌های تعهد زناشویی و شور و رضایت جنسی تفاوت وجود دارد؛ این یافته همسو با نتیجه پژوهش محمداصداق، کلانتر کوشه و نعیمی (۱۳۹۷)؛ شیخ‌الاسلامی، خداکریمی و داداش زاده (۱۳۹۶)؛ شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: در بین نیازهای زیستی، غریزه جنسی، آمیختگی عمیقی با نیازهای روانی داشته به طوری که می‌توان تأثیر این خواسته را در بسیاری از ابعاد زندگی مشاهده کرد. این غریزه تأثیر غیرقابل‌انکاری در زندگی زناشویی و انسجام و پایداری آن دارد. همچنین این غریزه نقش سازنده و پراهمیت و بنیادینی در سیر به‌سوی سلامت و تعادل روانی دارا می‌باشد و با داشتن این خصوصیات بارز و قابل توجه است که میل جنسی از سایر نیازهای زیستی فاصله گرفته و به‌صورت یک نیاز روحی و روانی درمی‌آید؛ نیازی که نقش بسزایی در زندگی زناشویی ایفا می‌کند (تامی نلسون، ۲۰۲۰).

از لحاظ لغوی واژه رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع روابط جنسی اطلاق می‌گردد. باید اشاره کرد سطوح بالای رضایت جنسی منجر به افزایش کیفیت رابطه زناشویی شده و در نتیجه آن افزایش ثبات زناشویی را در پی دارد. رضایت جنسی برای بیشتر زوجین مهم بوده و یک موضوع فردی تلقی می‌گردد (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸). روابطی مثل روابط حمایت‌کننده با رضایت جنسی رابطه مستقیم دارد و روابط دیگری مثل همدلی، جذابیت جسمانی و عشق را نیز با رضایت جنسی مرتبط می‌دانند (محمداصداق، کلانتر کوشه و نعیمی، ۱۳۹۷). هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است. تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (فراهانی‌فر، حیدری، داوودی و آل‌یاسین، ۲۰۱۹). تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، وقایع خوشایند و ناخوشایند زندگی، تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه قصد و نیت می‌باشد. زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و در کار کردن با دیگران دچار

مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه امر، بی‌وفایی خواهد بود (مک‌کارتی و والد، ۲۰۱۵). این در حالی است که معشوقه‌بازی یا بی‌بندوباری جنسی علاوه بر افزایش خطر ابتلا به امراض جنسی نظیر ایدز، آسیب‌های دیگری نیز در پی خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها کاهش رضایت جنسی در زوجین می‌باشد (اسپرچر و همکاران، ۲۰۱۸). شور و هیجان جنسی و رضایت ناشی از آن همان‌طور که اشاره شد یک مولفه مهم در ازدواج بوده و به رضایت زناشویی بسیار وابسته است؛ بنابراین رضایت جنسی بر بسیاری از ابعاد زندگی زناشویی از جمله تعهد زناشویی اثر می‌گذارد (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۸). در تبیینی دیگر برای یافته فوق می‌توان گفت که دو مولفه تعهد زناشویی و شور و رضایت جنسی رابطه‌ای دوطرفه با یکدیگر دارند یعنی کاهش در رضایت جنسی باعث کاهش یا عدم تعهد در زوجین شده و کاهش در تعهد زناشویی باعث اختلالات جنسی در زوجین و در نتیجه کاهش رضایت جنسی زوج می‌گردد. در این باره استات و هامن یکی از علل خیانت در زوجین را کمبودهای جنسی عاطفی یا عدم جذابیت جنسی در هر یک از زوجین می‌داند (استات و هامن، ۲۰۰۲). یافته‌های مطالعه براون حاکی از آن است که اولین مرحله در خیانت زوجین نسبت به یکدیگر نارضایتی و تعارض به حدی است که امیدی به بهبودی نباشد (براون و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج مطالعه اولسون اشاره دارد که ۹۲ درصد از زوج‌های خرسند، هیچ نگرانی از بابت ارتباط جنسی خارج از ازدواج همسرشان نداشتند، در حالی که ۴۳ درصد از زوج‌های ناخرسند، این نگرانی را داشتند (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۶).

یافته‌های آماری حکایت از آن دارند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر مؤلفه‌های رضایت از رابطه و عشق تفاوت وجود دارد؛ این یافته همسو با نتیجه پژوهش جعفرزاده و امانی (۱۳۹۴)؛ مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد (۱۳۹۳)؛ باقری و ساروخانی (۱۳۹۲) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: رضایت از رابطه، ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی فرد است و انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشوناد بودن به‌واسطه بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی می‌باشد (شیاسی و خیاطان، ۱۳۹۴). برقراری ارتباط مؤثر با طرف مقابل، عدم عصبانیت، حفظ استقلال زوجین ضمن مشارکت باهم، ارزش قائل شدن به خواسته‌ها و علایق همسر، همراهی و همدلی، داشتن

نیز به شمار می‌رود (اسدپور، نظری، ثنایی و تبریزی، ۱۳۸۹). صمیمیت یک نزدیکی، تشابه و روابط شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر و همین‌طور بیان افکار و احساساتی است که نشانه تشابه با یکدیگر است (باگاروزی، ۲۰۰۱؛ ترجمه اندوز، ۱۳۹۸). صمیمیت در ازدواج بارز است زیرا اعتماد زوجین به یکدیگر و در نتیجه ثبات رابطه را محکم می‌کند و به‌طور مثبتی با سازگاری و رضایت از رابطه همراه است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع وجود اعتماد در درون رابطه و صمیمیت بخش حیاتی یک ازدواج موفق می‌باشند. بدین معنا که زوجین برای خلق آینده‌ای مشترک تلاش می‌کنند و به‌وقت بحران و تعارض در کنار هم باقی می‌مانند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف، بین اعتماد مابین زوجین و کیفیت رابطه زناشویی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲).

اعتماد در هر رابطه‌ای فرآیند عدم اطمینان را کاهش می‌دهد (بالت و لانگله، ۲۰۱۲؛ به نقل از گردی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، حتی اگر افراد تمایل کلی به اعتماد و یا عدم اعتماد به دیگران برای برقراری روابط جدید بر اساس تجارب روابط قبلی خود داشته باشند، سطح اعتماد در هر رابطه‌ای تا حد زیادی بستگی به صفات شریک فعلی و پویایی رابطه فعلی دارد. افرادی که سطح بالاتری از اعتماد را گزارش می‌کنند، تمایل دارند که در مورد انگیزه‌های شریک زندگی خود خوش‌بین‌تر و خیرخواه‌تر باشند، صفات مثبت‌تری را به رفتارهای شریک زندگی خود نسبت دهند و همچنین در رابطه خود تعهد و پایبندی بیشتری داشته باشند، تعهد و پایبندی که موجب دوام و ثبات رابطه زناشویی شده و از طلاق جلوگیری می‌کند (سیمپسون، ۲۰۰۷؛ به نقل از گردی و همکاران، ۱۳۹۶).

در تبیینی دیگر برای این یافته می‌توان گفت: اعتماد یکی از قدرتمندترین پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت از رابطه و ثبات زندگی زناشویی است (کمپل، سیمپسون، بلدری، رابین، ۲۰۱۰؛ به نقل از گردی و همکاران، ۱۳۹۶). اعتماد در روابط زناشویی شامل سه بُعد وفاداری، پیش‌بینی‌پذیری و قابلیت اتکا است که از بین آن‌ها وفاداری مهم‌ترین عامل اعتماد در زندگی زناشویی است. زمانی که افراد مکرراً نسبت به همسر خود بی‌توجه شوند؛ وفاداری همسرشان به آن‌ها سست می‌

اهداف و آرمان مشترک، قبول سختی‌ها و تأکید و توجه بر نکات مثبت شخصیت همسر، ابراز دوستی و اهمیت دادن به یکدیگر از عوامل مهم در رضایت‌مندی زناشویی و استمرار زندگی مشترک می‌باشد (میکائیلی، گنجی، طالبی و جویباری، ۱۳۹۱).

اسپرینجر در مطالعه خود نشان داد که بالا بودن سطح رضایت از رابطه در زوجین منجر به افزایش عشق و علاقه نسبت به همسر می‌گردد (اسپرینجر، ۲۰۰۲). باقری و همکاران (۱۳۹۲) معتقدند که نبود عشق و علاقه و وجود تنفر از یکدیگر در زوجین متقاضی طلاق به شکل گسترده‌ای یافت می‌شود. عشق، یک احساس شدید عاطفی است که معمولاً نسبت به جنس مخالف صورت می‌گیرد و منجر به رضایت میان زوجین می‌گردد و به پابرجایی و استحکام بیشتر بنیاد خانواده کمک می‌کند (آسودو و آرون، ۲۰۰۹). بین عشق و تداوم رابطه عاشقانه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هرچقدر عشق و علاقه بین زوجین بیشتر باشد، آنان رضایت بیشتری از رابطه‌شان خواهند داشت و عدم رضایت از رابطه پیامدهای جسمانی و روان‌شناختی متعددی مانند افسردگی، سوءمصرف مواد، ناکارآمدی جنسی و مشکلات رفتاری، کاهش ایمنی بدن، افزایش فشارخون، خشونت، تنش و حتی طلاق در پی دارد (قلیلی، احمدی و فاتحی زاده، ۱۳۸۵). همچنین در تبیینی دیگر برای یافته فوق می‌توان گفت: کیفیت عشق و مؤلفه‌های آن شامل صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد و تصمیم‌گیری از پیش‌بین‌های طلاق است به‌طوری‌که کیفیت پایین عشق و مؤلفه‌های آن از طریق پیامدی مثل رابطه فرا زناشویی منجر به طلاق می‌شود. در این راستا می‌توان گفت که هر چه کیفیت عشق بالا باشد، رضایت زوجین از رابطه‌شان افزون می‌گردد و احتمال گرایش به رابطه فرا زناشویی و به تبع آن متقاضی طلاق بودن کاهش می‌یابد (مُدرسی و همکاران، ۱۳۹۳).

یافته‌های آماری حکایت از آن دارند که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر مؤلفه‌های صمیمیت و اعتماد تفاوت وجود دارد. این یافته همسو با نتیجه پژوهش گردی، اصلانی و امان‌اللهی (۱۳۹۶)؛ محمدی، حیدرنیا و عباسی (۱۳۹۵)؛ رضایی، بوستانی پور و حبیبیان (۱۳۹۲) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: صمیمیت یک مقوله بسیار مهم در ثبات و استحکام روابط زوجین به شمار می‌رود و یکی از نیازهای زندگی زناشویی و از ویژگی‌های بارز یک ازدواج شاد و موفق

شود و در نتیجه کمتر قابل اعتماد می‌شوند. زمانی که تعارضات در زندگی زناشویی افزایش یابد، اعتماد بین زوجین رو به کاستی رفته و در نتیجه احساس تعهد کمتری نسبت به یکدیگر پیدا خواهند کرد (کروز، ۲۰۰۷؛ به نقل از گردی و همکاران، ۱۳۹۶).

این پژوهش هم مانند همه پژوهش محدودیت‌هایی داشت که اشاره کردن به آن‌ها خالی از لطف نیست. مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش عبارت بودند از: ۱- نتایج این پژوهش محدود به جامعه مورد مطالعه یعنی شهر قزوین است و لذا در تعمیم نتایج آن به سایر جوامع باید احتیاط نمود. ۲- عدم همکاری شایسته در تکمیل پرسشنامه از سوی زوجین برخی از زوجین. ۳- محدودیت استفاده صرف از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات. ۴- محدودیت در تبیین علی نتایج به دلیل توصیفی بودن طرح پژوهش. همچنین لازم به ذکر است که مهم‌ترین یافته پژوهش مذکور این است که بین زوجین متقاضی طلاق و عادی از نظر تمامی مؤلفه‌های کیفیت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد که با تکیه بر همین یافته پیشنهادهایی پژوهشی را برای پژوهش‌های آتی و همچنین پیشنهادهایی کاربردی را به امید اینکه گره‌ای از کار مسئولین دست‌اندرکار باز کند ارائه می‌دهیم: بنابراین در این راستا پیشنهاد می‌شود که: ۱- با توجه به اهمیت مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی در بروز طلاق زوجین پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی آموزشی با محوریت این مؤلفه‌ها در دوران قبل از ازدواج در جهت بهبود سطح عملکرد و استحکام خانواده برگزار گردد. ۲- کنفرانس‌ها و سمینارهایی با محوریت این مؤلفه‌ها جهت گسترش اثربخشی این عوامل مؤثر بر خانواده‌ها برگزار گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود که ۱- در پژوهش‌های آتی علاوه بر استفاده از ابزار پرسشنامه از ابزار دیگری (مانند مصاحبه و مشاهده حضوری) استفاده شود. ۲- از آنجایی که تحقیق حاضر در شهر قزوین انجام شده است، با انجام چنین تحقیقی در دیگر استان‌ها می‌توان نتایج متفاوتی حاصل نمود که با مطالعه تطبیقی بین نتایج حاصل از استان‌های مختلف به تفاوت‌های موجود پی برد.

### سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم که در انتهای این پژوهش از کلیه زوجین چه گروه متقاضی طلاق و چه گروه عادی که با صبر و بردباری و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی نهایت همکاری را با

پژوهشگر داشتند و پرسشنامه‌ها را با دقت تکمیل نمودند. همچنین نهایت تشکر و قدردانی را از مدیران و مسئولان کلینیک‌هایی داریم که هماهنگی لازم را با زوجین به عمل آوردند و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی با پژوهشگر نهایت همکاری را داشتند. لازم به ذکر است که نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارضی از نظر منافع بین آن‌ها وجود ندارد.

### تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارضی بین آن‌ها وجود ندارد. لازم به ذکر است که هیچ نهاد یا سازمان خاصی از این پژوهش حمایت مادی نکرده است.

### منابع

- ابوسعیدی مقدم، ن.، ثناگوی محرر، غ.، شیرازی، م. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر احساس تنهایی، شرم و گناه زنان متقاضی طلاق. *فصلنامه علمی روانشناسی کاربردی*، ۱۱۴(۱)، ۵۴-۳۵.
- اسدپور، ا.، نظری، ع.، ثنایی ذاکر، ب.، و تبریزی، م. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی خود نظم‌بخشی بر افزایش صمیمیت زناشویی زوجها. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۱(۴)، ۴۵-۷۰.
- اصغری، ف.، عیسی پور هفت‌خانی، خ.، و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان متقاضی طلاق. *فصلنامه مددکاری/اجتماعی*، ۱۷(۱)، ۲۱-۱۴.
- افضلی، اف.، پورجمشیدی، م.، و مومنی راد، ا. (۱۳۹۸). بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی زوجین در تحلیل تشخیصی احتمال بروز طلاق. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی*، ۴(۱)، ۲۱۰-۱۹۱.
- باگاروزی، د. (۲۰۰۱). تکنیک‌های افزایش صمیمیت در زوج‌درمانی. ترجمه زهرا اندوز (۱۳۹۸). تهران: نشر کتاب ارجمند.
- پیرمردوند چگینی، ب. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مبتنی بر درمان عقلانی هیجانی رفتاری بر استرس زناشویی و کیفیت رابطه زناشویی زوجین مبتلا به سرطان پستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد [منتشر نشده]. دانشگاه خوارزمی تهران.
- پیرمردوند چگینی، ب.، احمدی، ص.، البوغیش، ت.، و نظامیوند چگینی، س. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر شناخت درمانی به روش مایکل فری بر افسردگی،

- معنوی: نقش میانجی مسئولیت‌پذیری. مجله دین و سلامت، ۳۱-۲۱: (۱)۱۵.
- قاسمی، ع.، و ساروخانی، ب (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۰ (۳۹): ۸۷-۶۹.
- قریشی، ف.، شیرمحمدی، د.، برجوند، آ. (۱۳۹۳). فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته: مطالعه موردی شهر سقز. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۳ (۱): ۳۰-۱۹.
- قلیلی، ز.، احمدی، ا.، و فاتحی زاده، م (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش گفتگوی مؤثر بر تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۲۷ (۲۸): ۲۱-۳۴.
- گردی، م.، اصلانی، خ.، و امان‌اللهی، ع (۱۳۹۶). صمیمیت جنسی و اعتماد به‌عنوان تعدیل‌کننده‌های رابطه سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد زناشویی. *فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی کاربردی*، ۳ (۴۳): ۳۳۳-۳۵۱.
- گلدنبرگ، آ.، و گلدنبرگ، ه (۲۰۱۷). خانواده‌درمانی [اوپراست هشتم]. ترجمه مهرداد فیروز بخت (۱۳۹۸). تهران: نشر رسا.
- محمدصادق، ع.، کلانترکوشه، م.، و نعیمی، ا (۱۳۹۷). تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۷ (۱): ۳۵-۴۷.
- محمدی، ب.، حیدرنیا، ا.، و عباسی، ه (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس صمیمیت زناشویی و بخشودگی. *مجله رویش روانشناسی*، ۵ (۳): ۳۱-۵۰.
- مدرسی، ف.، زاهدیان، ح.، و هاشمی محمدآباد، ن (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، ۱۹ (۱): ۷۸-۸۸.
- مطهری‌راد، م.، بهروزی، ن.، و برومند نسب، م (۱۳۹۸). مقایسه زوجین متقاضی طلاق و عادی از لحاظ روان‌آزردگی، سازگاری و اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و تنظیم عواطف، بینش، قاطعیت در ارتباط. *فصلنامه علمی مجله علوم حرکتی و رفتاری*، ۲ (۳): ۲۱۹-۲۲۹.
- میکائیلی، ن.، گنجی، م.، و طالبی جویباری، م (۱۳۹۱). مقایسه تاب‌آوری، رضایت زناشویی و سلامت روان در والدین با کودکان دارای ناتوانی یادگیری و عادی. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۲ (۱): ۱۲۰-۱۳۷.
- احساس تنهایی و شادکامی زنان مطلقه. *فصلنامه روانشناسی تحلیلی شناختی*، ۱۱ (۴۱): ۱۵-۳۰.
- پیرمردوند چگینی، ب.، زهراکار، ک.، ثنایی ذاکر، ب.، و نوروزی، ک (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مبتنی بر درمان عقلانی هیجانی رفتاری بر مؤلفه‌های کیفیت رابطه زناشویی زوجین مبتلا به سرطان پستان. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۱ (۴): ۱-۲۰.
- جعفرزاده فدکی، م.، و امانی، پ (۱۳۹۴). بررسی رابطه عشق و رضایت زناشویی با هرزه‌نگاری جنسی در دانشجویان متأهل شهرستان بیرجند. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۷ (۵): ۲۴۰-۲۴۶.
- خجسته مهر، ر.، بهمنی، ا.، سودانی، م.، عباس پور، ذ. (۱۳۹۹). تبیین فرآیند شکل‌گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. *مجله دستاوردهای روان‌شناختی*، ۴ (۱): ۴۶-۲۳.
- خیراللهی، م.، جعفری، ا.، قمری، م.، و باباخانی، و. (۱۳۹۸). طراحی مدل پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰ (۳۹): ۱۵۷-۱۸۰.
- دهقانی شده، ز.، یوسفی، ز. (۱۳۹۸). مدل یابی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی (مثلث سازی و رابطه با همسر) و متغیرهای روان‌شناختی (توافق‌پذیری و شیوه‌های کنترل) و متغیرهای اجتماعی (نحوه گذراندن اوقات فراغت) مادران شهر اصفهان. *مجله خانواده پژوهی*، ۱۵ (۵۷): ۱۵۵-۱۷۱.
- رضایی، ز.، بوستانی پور، ع.، و حبیبیان، ف (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲ (۴۷): ۶۹-۸۱.
- شاه سیاه، م.، بهرامی، ف.، و محبی، س (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۳): ۲۳۳-۲۳۸.
- شیاسی، ل.، و خیاطان، ف (۱۳۹۴). تأثیر مشاوره گروهی بخشش محور بر سازگاری و کیفیت زندگی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان نجف‌آباد. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۶ (۲): ۳۴-۴۲.
- شیخ‌الاسلامی، ع.، خداکریمی، ش.، و داداش زاده، م (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس رضایت جنسی، سلامت



- Innovative Approaches. PESI Publishing & Media.
- Oldham, J. T. (2018). *Divorce, Separation and the Distribution of Property*. New York: Law Journal Press.
- Sprecher, S., Christopher, F. S., Regan, P., Orbuch, T., & Cate, R. M. (2018). Sexuality in personal relationships. In A. L. Vangelisti & D. Perlman (Eds.), *The Cambridge handbook of personal relationships* (pp. 311–326). Cambridge University Press
- Stets, J. E., & Hammons, S. A. (2002). Gender, control, and marital commitment. *Journal of Family Issues*, 23(1), 3-25.
- Afrasiabi, H., & Afrasiabi, H. (2018). Abnormal family represented by women confronting divorce in Yazd city. *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 211-230.
- Asodo, K., & Aron, F.E. (2009). Marital satisfaction. *Journal of Psychology and Social*, 67: 15-28.
- Britzman, M. J., & Sauerheber, J. D. (2014). Preparing couples for an enriched marriage a model in individual psychology. *The Family Journal*, 22(4): 428- 436.
- DeLongis, A., & Zwicker, A. (2017). Marital satisfaction and divorce in couples in stepfamilies. *The Current Opinion Journal*, 13(7), 158-161.
- Divorce Rates By Country Population. (2019-10-10). Retrieved 2020-01-09, from <http://worldpopulationreview.com/countries/divorce-rates-by-country>.
- Edwards, A. C., Larsson Lönn, S., Sundquist, J., Kendler, K. S., & Sundquist, K. (2018). Associations between Divorce and Onset of Drug Abuse in a Swedish National Sample. *American Journal of Epidemiology*, 187(5), 1010–1018.
- Farahanifar, M., Heidari, H., Davodi, H., & Aleyasin, S. A. (2019). The effect of acceptance and commitment therapy on the conflict resolution styles of incompatible marital women. *International Archives of Health Sciences*, 6(2), 101-107.
- Farahmand, M., & Tavangar, M. (2018). A Study of the Relationship between Dynamics of Female Identity and Marital Conflicts (Research Field: The City of Yazd). *Applied Sociology*, 157-180.
- Gottman, J. M. (1993). What predicts divorce: The relationship between marital process and marital outcomes. Hillsdale, N. J.: Erlbaum.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, (62)3, 737-745.
- Konstam, V., Karwin, S., Curran, T., Lyons, M., & Celen-Demirtas, S. (2016). Stigma and divorce: A relevant lens for emerging and young adult women? *Journal of Divorce & Remarriage*, 57(3): 173-194.
- McCarthy, B., & Wald, L. M. (2015). Strategies and techniques to directly address sexual desire problems. *Journal of Family Psychotherapy*, 26(4), 286-298.
- McNelis, M., & Segrin, C. (2019). Insecure attachment predicts history of divorce, marriage, and current relationship status. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(5), 404–417.
- Moshtaghi, S. (2018). A Meta-Analysis of the Effectiveness of Life Skills Training on Marital Satisfaction of Couples (Iran: 2010-17). *Journal of Psychological Achievements*, 25(2), 111-128.
- Nelson, Tammy (2020). *Integrative Sex & Couples Therapy: A Therapist's Guide to New and*



مجله پژوهش‌های روانشناسی و مطالعات فرهنگی  
 با مجله علوم انسانی